

مدیریت خطر تحریم در شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی

لعیا جنیدی

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

✉ sepidehrazii@yahoo.com

سپیده راضی

پژوهشگر فوق دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده: حل و فصل اختلافات تجاری به‌ویژه در شرایط تحریمی، همواره چالشی جدی برای فعالان تجاری بوده و ضرورت بهره‌گیری از داوری را به عنوان نهادی انعطاف‌پذیر و مستقل از ساختار حاکمیتی دوجندان نموده است. با وجود این، داوری نیز ممکن است با خطرهای ناشی از تحریم مواجه شود. این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از مطالعه تطبیقی و اسناد بین‌المللی، تأثیر خطرهای تحریمی بر شناسایی و اجرای آرای داوری را بررسی می‌کند. همچنین می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که چگونه تحریم‌ها می‌توانند بر شناسایی و اجرای داوری تأثیر بگذارند و چه راهکارهایی برای مدیریت این پیامدها وجود دارد تا داوری همچنان به‌عنوان روشی مؤثر برای حل اختلافات تجاری در شرایط تحریمی باقی بماند. برای مدیریت خطر ناشی از تحریم، انتخاب مقر داوری در کشورهایی با تفسیر مضیق از تحریم‌ها و همچنین تعیین قانونی که تحریم‌ها را بخشی از نظم عمومی تلقی نمی‌کند و تنظیم شرط داوری انعطاف‌پذیر، از مهم‌ترین راهکارهایی است که می‌تواند میزان ریسک تحریم را در مرحله شناسایی و اجرای رأی به‌طور قابل توجه کاهش دهد.

واژگان کلیدی: داوری تجاری، خطر تحریم، شناسایی و اجرا، مدیریت خطر، نظم عمومی

استناد: جنیدی، لعیا و راضی، سپیده. (۱۴۰۵). مدیریت خطر تحریم در شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۳۱ (۱۱۴)، ۱۲۵-۱۴۷.

<https://doi.org/10.22034/jlvi.2026.2074969.1474>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

اعمال تحریم‌ها از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی علیه اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی، پدیده‌ای است که فضای حقوقی تجارت بین‌الملل را با چالش‌های اساسی روبه‌رو ساخته است. اگرچه تحریم‌ها در بسیاری از موارد با هدف اعمال فشار بر رفتار سیاسی یا اقتصادی دولت هدف طراحی می‌شوند، اما در عمل آثار مستقیم و غیرمستقیمی بر روابط فعالان تجاری برجای می‌گذارند. تعیین روش حل و فصل اختلافات تجاری در بستر تحریم‌ها، همواره چالشی اساسی برای فعالان تجاری بوده و ضرورت بهره‌گیری از داوری را به عنوان شیوه‌ای انعطاف‌پذیر و مستقل از ساختار حاکمیتی دوچندان نموده است. با وجود این، تحریم‌ها می‌توانند از شروع فرآیند داوری تا مرحله شناسایی و اجرای رأی داوری را با اختلال مواجه کنند.

پژوهش حاضر نظر به اهمیت مرحله شناسایی و اجرای آرای داوری و خلأ نسبی پژوهش در این زمینه، به بررسی آثار و خطرهای ناشی از تحریم و نحوه مدیریت آن در این مرحله می‌پردازد. این مقاله می‌کوشد با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا بر اسناد و رویه‌های بین‌المللی، تأثیر خطرهای تحریمی را بر داوری‌پذیری اختلاف و نیز بر تفسیر تحریم‌ها به‌عنوان مسائل مرتبط با نظم عمومی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش‌های اساسی است که تحریم‌ها چگونه می‌توانند بر شناسایی و اجرای آرای داوری اثر بگذارند و چه سازوکارهایی برای مدیریت این تأثیرات قابل تصور است، تا داوری در شرایط تحریمی به‌عنوان شیوه‌ای مؤثر و قابل اتکا برای حل و فصل اختلافات تجاری ایفای نقش کند.

۱. شناخت شناسایی و اجرای آرای داوری و خطر تحریم

شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی بی‌تردید از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل داوری به شمار می‌آید. این مرحله در واقع تبلور نهایی فرآیند داوری است؛ چرا که تمامی تشریفات و رسیدگی‌ها در نهایت با هدف صدور رأی صورت می‌گیرد که قابلیت شناسایی و اجرا در نظام‌های حقوقی ملی را داشته باشد. با این حال، شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی ممکن است با ریسک‌های ناشی از تحریم مواجه شود. در این بند ابتدا به شناخت مفاهیم شناسایی پرداخته می‌شود و سپس نقش تحریم‌ها در تفسیر مفهوم نظم عمومی به‌عنوان مهم‌ترین مبنای استناد دولت‌ها برای امتناع از شناسایی یا اجرای رأی داوری، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۱. مفهوم شناسایی و اجرای آرای داوری

مفاهیم «شناسایی» و «اجرای» آرای داوری از ارکان بنیادین در نظام حقوق بین‌الملل خصوصی

به‌شمار می‌روند و زیربنای تعاملات و روابط حقوقی میان تابعان این نظام را تشکیل می‌دهند.^۱ گروهی از صاحب‌نظران حقوقی، شناسایی را «پایه حقوق بین‌الملل» دانسته و بر نقش آن در شکل‌گیری و تثبیت نظم حقوقی بین‌المللی تأکید کرده‌اند (Lorimer, 1883: 95). شناسایی، به‌طور کلی، به معنای پذیرش یک ادعا یا وضعیت از سوی شخص یا نهادی است که دارای حق یا نفع در تأیید یا رد آن است (Williams, 1934: 776). این مفهوم، در حوزه‌های مختلف از جمله حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی کاربرد دارد. در حقوق بین‌الملل خصوصی، شناسایی ناظر به پذیرش آثار حقوقی قانون یا رأی صادره از مرجع خارجی در نظام حقوقی کشور مقصد است. در این چارچوب، «شناسایی» به این معناست که دادگاه داخلی، اعتبار رأی داوری خارجی را به رسمیت می‌شناسد و از رسیدگی مجدد به موضوعی که پیش‌تر به‌طور قطعی موضوع حکم قرار گرفته است، خودداری می‌کند. بدین ترتیب، شناسایی ناظر بر پذیرش اثر و اعتبار قضایی رأی داوری در نظام حقوقی کشور محل شناسایی است.

در نقطه‌ای فراتر از شناسایی، مفهوم «اجرا» قرار می‌گیرد. اجرا زمانی مطرح می‌شود که دادگاه علاوه بر شناسایی رأی، دستور اجرای آن را نیز صادر کند و با تکیه بر اختیارات قانونی خود، محکوم‌علیه را به انجام مفاد رأی ملزم سازد (Born, 1996: 937).^۲ در این حالت، دادگاه داخلی با رأی خارجی همانند یک رأی صادره از محاکم داخلی برخورد می‌کند و از ابزارهای قانونی لازم برای اجرای آن بهره می‌گیرد (الماسی، ۱۴۰۲: ۲۰۷). به‌ویژه در مواردی که رأی خارجی حاوی محکومیت به پرداخت وجه، تحویل مال یا ایفای تعهد خاصی است، اجرای رأی مستلزم به‌کارگیری ابزارهای الزام‌آور داخلی خواهد بود.

مفاهیم شناسایی و اجرا در ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران و مواد مختلف کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ - از جمله مواد ۱، ۳، ۴ و ۵ - بیان شده‌اند. مطالعات و رویه‌های موجود نشان می‌دهد که اجرای آرای داوری، به واسطه نظام هماهنگ شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی در کنوانسیون نیویورک^۳ ۱۹۵۸، در بسیاری موارد از کارآمدی بیشتری نسبت به اجرای آرای محاکم

1. Reciprocity Encyclopedia International LAW, Max plank

۲. در تعریفی مشابه آمده است: «منظور از اجرا، متعهد نمودن و واداشتن محکوم علیه به اجرای مفاد رأی است درحالی که در حالی که شناسایی این است که به رأی مزبور ارزشی مشابه با حکم صادره از دادگاه های کشور محل درخواست اجرا داده شود (نصیری، ۱۳۵۱: ۱۶).

3. The United Nations Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards, New York, 1958, Article V(2)(a) and (b).

ملی برخوردار است.^۱ ماده ۵ این کنوانسیون به طور خاص، به مبانی رد شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی اشاره می‌کند. بر اساس بند دوم این ماده، مرجع صالح در کشور محل درخواست شناسایی و اجرا می‌تواند در صورتی از شناسایی یا اجرای رأی داوری امتناع کند که احراز نماید: الف) موضوع اختلاف به موجب قانون آن کشور از طریق داوری قابل حل و فصل نباشد؛ یا ب) شناسایی یا اجرای رای با نظم عمومی آن کشور مغایرت داشته باشد. این مبانی در میان تمامی کشورهای متعاقد این کنوانسیون، یکسان و هماهنگ هستند.

۲-۱. مفهوم ریسک تحریم و مدیریت آن

در چند دهه اخیر، تحریم‌های اقتصادی به یکی از ابزارهای ترجیحی سیاست‌گذاری برای بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شده‌اند. این تدابیر محدودکننده، علاوه بر پیگیری اهداف سیاست خارجی، آثار گسترده‌ای بر روابط حقوقی و اقتصادی اشخاص خصوصی برجای می‌گذارند و به‌طور خاص، سازوکارهای حل و فصل اختلافات در تجارت بین‌الملل، از جمله داوری تجاری بین‌المللی، را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

برای روشن شدن مفهوم تحریم، تعاریف متعددی ارائه شده است. برخی تحریم را «ابزار سیاست خارجی برای اعمال فشار و نوعی مجازات در پاسخ به نقض حقوق بین‌الملل» (Geisinger E and others, 2012: 406) می‌دانند. برخی دیگر معتقدند «تحریم مشتمل است بر خودداری از شناسایی دیپلماتیک، تحریم رویدادهای ورزشی و فرهنگی، توقیف اموال، ایجاد محدودیت‌های مختلف بر تجارت بین‌المللی، جریان‌های مالی و جابجایی اشخاص مورد تحریم» (Davis & Stanley, 2003: 187). گروهی دیگر بر این باورند تحریم «یک روش مداخله‌ای نسبتاً خاص است که به هدف ایجاد تغییر در سیاست یا رفتار خاص در قالب قوانین، فرمان دولت، قطعنامه سازمان ملل متحد یا سند مشابهی، توسط یک کشور، سازمان بین‌المللی یا ائتلافی از کشورها علیه کشوری دیگر استفاده می‌شوند» (Folch, 2010: 2). در تلاش برای تعریفی نسبتاً جامع‌تر تحریم «نوعی امتناع سازمان‌یافته از برقراری روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا نظامی یک دولت یا گروهی از دولت‌ها به منظور تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول در دولت مورد نظر» (وکیل، ۱۳۹۰: ۲۹۷) تعریف شده است. اما این تلاش نیز چندان موفق نبوده و تعریف به‌دست داده شده جامع نیست زیرا اولاً تحریم‌های اعمال شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را دربر نمی‌گیرد. ثانیاً اعمال تحریم بر افراد، نهادها و شرکت‌ها را

1. United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL). Guide on the Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (New York, 1958). New York: United Nations, 2016. ISBN 978-92-1-133851-5

مورد لحاظ قرار نداده است. برخی نیز تحریم‌های اقتصادی را اقدامات منفی می‌دانند که درصدد تأثیرگذاری بر رفتار کشور از طریق تهدید و در صورت ضرورت، تحمیل مجازات به منظور عدم رعایت قانون است. به طور کلی در هر مورد خاص اعمال تحریم‌ها شامل یک تصمیم سیاسی - اقتصادی در چارچوب قانون می‌باشد. (مافی، ۱۳۸۵: ۶۱) لذا می‌توان گفت، تحریم عبارت از اعمال ممنوعیت یا محدودیت سیاسی، اقتصادی، نظامی و یا نظایر آن برای اجبار شخص مورد تحریم به تغییر رفتار یا سیاست خاص توسط سازمان بین‌المللی، دولت یا گروهی از دولت‌ها است (راضی، ۱۴۰۳: ۲۱).

از سوی دیگر، مفهوم «خطر» (Risk) در دهه‌های اخیر به‌عنوان یکی از پویاترین حوزه‌های میان‌رشته‌ای مطرح شده و توجه پژوهشگران طیف گسترده‌ای از علوم، از جمله مدیریت، اقتصاد، حقوق و سیاست‌گذاری عمومی را به خود جلب کرده است. خطر به‌طور معمول به‌عنوان یک رویداد یا وضعیت نامطمئن تعریف می‌شود که در صورت تحقق، می‌تواند آثار مثبت یا منفی بر دستیابی به اهداف مورد نظر برجای گذارد (Srinivas, 2019: 3). برخی نویسندگان خطر را صرفاً ناظر بر احتمال وقوع یک رویداد زیان‌بار می‌دانند که تحقق آن می‌تواند بر دستیابی به اهداف مورد نظر تأثیر منفی بگذارد (Krishna, 2008: 48). به نظر می‌رسد این تعریف، دست‌کم در حوزه حقوق و به‌ویژه در بستر داوری بین‌المللی و مرحله شناسایی و اجرای آرای داوری، تعریف دقیق‌تر و متناسب‌تری باشد؛ زیرا تمرکز آن بر پیامدهای نامطلوب و اختلالی است که می‌تواند فرآیند داوری را تحت تأثیر قرار دهد.

پس از تبیین مفهوم خطر، مسئله چگونگی مواجهه نظام‌مند با خطرهای شناسایی شده مطرح می‌شود که در ادبیات تخصصی از آن با عنوان «مدیریت خطر» یاد می‌شود. مدیریت خطر به معنای شناسایی و سنجش خطر و سپس اتخاذ راهبردهایی برای کنترل و کاهش آن است (عبده تبریزی و رادپور، ۱۳۸۸: ۲۳). از این‌رو مدیریت خطر، یک فرآیند برنامه‌ریزی شده و ساختاریافته است که برای شناسایی، طبقه‌بندی، تعیین کمیت خطرها و سپس مدیریت و کنترل آن‌ها انجام می‌شود (Srinivas, 2019: 3). هدف این مدیریت، کنترل پیامدهای نامطلوب ناشی از مواجهه با خطر و همچنین اطمینان از تحقق اهداف مورد نظر در شرایط عدم قطعیت است. تحقق این هدف مستلزم آن است که خطرها شناسایی و برای مدیریت آن تصمیمات لازم اتخاذ شود. از این‌رو، اولین گام در فرآیند مدیریت خطر، شناسایی و طبقه‌بندی خطرهای مهم احتمالی است (Laurence & others, 2013: 2).

بدین ترتیب خطر تحریم در بستر داوری به معنای احتمال بروز اختلال در مراحل داوری - از آغاز تا شناسایی و اجرای رأی - به سبب اعمال تحریم است. مدیریت خطر تحریم در این بستر نیز ناظر بر فرآیندی است که طی آن، خطرهای ناشی از تحریم شناسایی و ارزیابی شده و سپس با اتخاذ راهبردهای مناسب کنترل و کاهش داده می‌شود.

۲. خطر تحریم در شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی

شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی ممکن است با خطرهای مربوط به داوری‌پذیری اختلاف و تفسیر تحریم به عنوان موضوع مرتبط با نظم عمومی مواجه شود. این موارد در کنوانسیون نیویورک و همچنین در قانون نمونه آنسیترال درباره داوری تجاری بین‌المللی نیز منعکس شده است. طبق ماده ۵ کنوانسیون نیویورک، دادگاه‌ها می‌توانند تحریم‌های اقتصادی را از منظر تأثیر آن‌ها بر قابلیت داوری اختلاف یا از حیث تفسیر آن‌ها به عنوان مسائل مرتبط با نظم عمومی، به عنوان مبنایی برای رد شناسایی و اجرای رأی داوری بررسی کنند. ماده ۳۶ قانون مدل آنسیترال در مورد داوری تجاری بین‌المللی^۱ نیز مقررۀ مشابهی را در بر دارد.

ماده ۵ کنوانسیون نیویورک و ماده ۳۶ قانون نمونه آنسیترال به دادگاه‌ها اجازه می‌دهند که این دو مبنا را به ابتکار خود بررسی کنند، حتی بدون آن‌که طرفین دعوا این موضوع را مطرح کرده و دلایل لازم را ارائه دهند. در این بخش، ابتدا خطرهای مربوط به داوری‌پذیری اختلاف و سپس تفسیر تحریم به عنوان بخشی از نظم عمومی به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. خطر تحریم در داوری‌پذیری اختلاف و نحوه مدیریت آن

قابلیت داوری، اساساً به این موضوع می‌پردازد که چه نوع اختلافاتی می‌توانند از طریق داوری حل و فصل شوند و چه اختلافاتی منحصراً در صلاحیت دادگاه‌های ملی قرار دارند؛ چرا که داوران اشخاص خصوصی هستند و اصولاً اختیار رسیدگی به مسائل مربوط به حقوق عمومی را ندارند و موضوعات مرتبط با نظم عمومی به طور معمول توسط دادگاه‌های ملی یا بین‌المللی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.^۲ در این بند ابتدا خطر تحریم در داوری‌پذیری اختلاف تبیین و سپس نحوه مدیریت

1. UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration 1985 With amendments as adopted in 2006

۲. در حقوق ایران، موارد غیرقابل ارجاع به داوری در ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی ذکر شده است. این ماده به طور حصری بیان می‌دارد که دعاوی مربوط به ورشکستگی، نکاح، طلاق و نسب قابل داوری نیستند. افزون بر این، درباره‌ی اموال عمومی و دولتی نیز مطابق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، ارجاع دعاوی مربوط به آن‌ها به داوری منوط به تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی است. تحلیل حقوقی این مقررات نشان می‌دهد که مبنای محدودیت داوری در این موارد، حمایت از نظم عمومی کشور است؛ در ورشکستگی که نظم اقتصادی و حقوق طلبکاران، در نکاح و نسب مصالح خانواده و جامعه مطرح است. همچنین در اموال دولتی، هدف اصلی، صیانت از منافع عمومی و جلوگیری از خروج صلاحیت تصمیم‌گیری از نهادهای حاکمیتی است که خود، تجلی بارز نظم عمومی است.

تحریم‌ها نیز به دلیل ارتباط ماهوی با نظم عمومی بین‌المللی می‌توانند در شرایطی خاص موجب غیرقابل داوری شدن موضوع اختلاف شوند. بدین معنا که اگر موضوع اختلاف مستقیماً مرتبط با نظم عمومی بین‌المللی (مانند تحریم‌های

آن بررسی می‌گردد.

۲-۱-۱. خطر تحریم در داوری‌پذیری اختلاف

در میان صاحب‌نظران دیدگاه غالب آن است که صرف اینکه اختلاف مستلزم اعمال تحریم اقتصادی یا سایر قواعد آمره است، موجب غیرقابل داوری شدن دعوی نمی‌گردد (Racine, 2004: 92; Blessing, 1999: 58). رویه عملی نیز نشان می‌دهد مراجع داوری و دادگاه‌های داخلی پذیرفته‌اند که وجود یک رژیم تحریمی موجب سلب قابلیت داوری از اختلاف نمی‌شود، بلکه ویژگی نظم عمومی تحریم‌ها باید توسط نهاد داوری در هنگام صدور رأی مورد توجه قرار گیرد (Geneviève, 2003: 3; Elliott Geisinger & others, 2012: 405). در رویه نیز دادگاه‌های ایالات متحده^۱ و دادگاه‌های سوئیس طی سالیان متمادی حامی همین دیدگاه بوده‌اند که صرف اعمال تحریم‌ها، به خودی خود، موجب زوال قابلیت داوری اختلاف نمی‌شود.^۲ در همین راستا، در پرونده معروف ایر فرانس علیه خطوط هوایی لیبی، دادگاه تجدیدنظر کبک نیز مقرر نمود که تحریم‌های ایالات متحده علیه لیبی تأثیری بر قابلیت داوری دعوا نداشته و مانعی برای ارجاع اختلاف به داوری تلقی نمی‌شوند.^۳

این رویکرد صرفاً در رویه قضایی محدود نمانده و در رویه داوری بین‌المللی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. برای نمونه، در یکی از دعاوی مطروحه نزد اتاق بازرگانی بین‌المللی در پرونده *Fincantieri v. Ministry of Defence of Iraq*^۴، دو شرکت ایتالیایی فعال در ساخت کشتی، هر یک قراردادی با یک تبعه سوری برای فروش کالاهای نظامی به عراق منعقد کرده بودند. عراق پس از

شورای امنیت سازمان ملل متحد) باشد، مرجع داوری ممکن است آن را خارج از صلاحیت داوری‌پذیری بدانند. در نتیجه، همان‌گونه که دعاوی ورشکستگی یا احوال شخصیه به دلیل ارتباط با نظم عمومی از شمول داوری خارج‌اند، تحریم‌ها نیز در صورت دارا بودن وصف قاعده آمره بین‌المللی، می‌توانند موجب غیرقابل داوری شدن دعوا شوند.

1. *Belship Navigation Inc v Sealift Inc*, 1995 US DIST LEXIS 10541, 1996 AMC 209 (US District Court for the Southern District of New York, 1995).

2. *G. SA v V. SpA et Tribunal Arbitral*, 28 April 1992, DFT 118 II 193, c. 5 c.a.a., English translation in *Yearbook Commercial Arbitration* 1993 at 143; *X SA & Y SA v Z SA*, 4 P.119/1998, *ASA Bull.* 1999 at 529.

3. *Air France v. Libyan Airlines*, Cour d'appel du Québec, Judgment of 31 Mar. 2003, *Revue de l'arbitrage* 1365 (2003) with a note by Alain Prujiner.

4. *ICC Arbitration Fincantieri v. Ministry of Defense of Iraq; Fincantieri Cantieri Navali Italiani SpA and OTO Melara Spa v ATF* (25 November 1991) ICC Award Nr 6719 (Interim Award) *Journal du droit international* (1994) 1071; Gary B. Born, *International Commercial Arbitration* (Second Edition) (Kluwer Law International 2014) 993.

تصویب قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در اوت ۱۹۹۰،^۱ مشمول تحریم‌های سازمان ملل شد. در این وضعیت، نماینده سوری برای دریافت کمیسیون‌های پرداخت نشده از دو شرکت ایتالیایی، اقامه داورى کرد. اما این دو شرکت، با استناد به تحریم‌های شورای امنیت علیه عراق - که عملاً هرگونه معامله تجاری با عراق را ممنوع می‌کرد - مدعی شدند که اختلاف قابلیت داورى ندارد. مرجع داورى، در یک تصمیم موقت، میان غیرقابل داورى بودن دعوا و تأثیر تحریم‌ها بر ماهیت اختلاف تمایز قائل شد و مقرر کرد حتی اگر رژیم تحریم‌ها بر قواعد ماهوی حاکم بر دعوا مؤثر باشد، این امر سبب غیرقابل داورى شدن اختلاف نخواهد شد.^۲

شرکت‌های ایتالیایی سپس تقاضای ابطال این تصمیم موقت را نزد دادگاه‌های سوئیس - محل داورى در این پرونده سوئیس بود - مطرح کردند. دادگاه فدرال سوئیس تصمیم مرجع داورى مبنی بر تأیید صلاحیت را مورد حمایت قرار داد و اختلاف را قابل داورى دانست. این تصمیم بر مبنای ماده ۱۷۷ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی سوئیس صادر شد؛ مقررهای که با ارائه تعریفی موسع از قابلیت داورى، به طرفین اجازه می‌دهد تا «هر دعوایی با ماهیت مالی» را به داورى ارجاع دهند.^۳ دادگاه فدرال سوئیس با استناد این ماده، اختلاف را از حیث اصولی قابل داورى دانست و بررسی کرد که آیا قابلیت داورى آن با نظم عمومی بین‌المللی سوئیس در تعارض قرار می‌گیرد یا خیر. دادگاه در نهایت اعلام کرد که ملاحظات مربوط به نظم عمومی موجب غیرقابل داورى شدن اختلاف نمی‌شود، جز در مواردی که به دلیل ملاحظاتی اختلاف صرفاً توسط دادگاه داخلی قابل رسیدگی باشد. در این پرونده، وجود یک رژیم تحریمی صرفاً در سطح تعهدات قراردادی طرفین مؤثر تلقی شد و تأثیری بر قابلیت داورى اختلاف نداشت.^۴

کشتی‌سازان ایتالیایی به‌طور موازی پرونده را مستقیماً نزد دادگاه‌های ایتالیا مطرح کردند و خواستار صدور حکم اعلامی مبنی بر بطلان شرط داورى شدند. هر چند دادگاه بدوی قابلیت داورى اختلاف را تأیید کرد، دادگاه تجدیدنظر جنوا این رأی را نقض نمود و با استناد به حاکمیت قواعد آمره حقوق ایتالیا - از جمله مقررات ناظر بر تحریم‌های بین‌المللی - اعلام داشت که تحریم‌های سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا اعمال حقوق قراردادی طرفین را منتفی ساخته و ارجاع اختلاف به داورى

1. UNSC Res 661 (6 August 1990) UN Doc S/RES/661.

2. Fincantieri Cantieri Navali Italiani SpA and OTO Melara Spa v ATF (25 November 1991) ICC Award Nr 6719 (Interim Award) Journal du droit international (1994) 1074.

3. Fincantieri Cantieri Navali Italiani SpA et OTO Melara Spa v M et Tribunal Arbitral (23 June 1992) ATF 118 II 353 (Tribunal Fédéral Suisse) 355.

4. Ibid, 357.

می‌تواند به نتیجه‌ای مغایر با این تحریم‌ها منجر شود. در نهایت، به دلیل «غیرقابل واگذاری بودن» حقوق مورد بحث که در حقوق ایتالیا معیار تشخیص قابلیت داوری اختلاف است دادگاه نتیجه گرفت که این اختلاف قابل داوری نیست.^۱

در مقابل، دادگاه تجدیدنظر پاریس از اجرای این تصمیم در فرانسه امتناع کرد و با انتقاد از رویکرد دادگاه ایتالیایی، اعلام کرد که اختلاف واجد قابلیت داوری بوده و دادگاه‌های ایتالیا صلاحیت رسیدگی به آن را نداشته‌اند.^۲ از این رو از اجرای حکم دادگاه ایتالیا در فرانسه امتناع ورزید.^۳ این تعارض آرا به روشنی نشان می‌دهد که اختلافی که از سوی مرجع داوری و دادگاه‌های کشور مقرر داوری قابل تشخیص داده شده است، ممکن است در کشور محل شناسایی و اجرا، صرفاً به دلیل برداشت متفاوت آن نظام حقوقی از مفهوم نظم عمومی، از شناسایی یا اجرا بازماند.

۲-۱-۲. نحوه مدیریت خطر تحریم در داوری پذیری اختلاف

همانطور که بیان شد، خطر تحریم می‌تواند در غیرقابل داوری شدن موضوع اثر بگذارد. این خطر را می‌توان با پیش‌بینی موارد زیر مدیریت کرد:

نخست؛ تعیین دقیق قلمرو اختلافات قابل داوری: باید موضوعات قرارداد به گونه‌ای انتخاب شوند که ذاتاً در معرض داوری ناپذیری نباشند. به ویژه در حوزه‌های حساس مانند نفت، گاز و بخش‌هایی که نهادهای حاکمیتی در آن‌ها نقش دارند، احتمال اعمال قواعد آمره و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها افزایش می‌یابد. طراحی دقیق قلمرو اختلافات قابل ارجاع به داوری و پیش‌بینی صریح آن در قرارداد، می‌تواند خطر غیرقابل داوری تلقی شدن اختلاف را کاهش دهد.

دوم، شرط تفکیک پذیری (Severability Clause): درج شرط تفکیک‌پذیری در قرارداد این امکان را فراهم می‌سازد که در صورت غیرقابل داوری شدن بخشی از موضوع اختلاف، کل شرط داوری یا اعتبار قرارداد تحت تأثیر قرار نگیرد. این شرط به‌ویژه در شرایط تحریمی، که ممکن است تنها بخشی از تعهدات قراردادی با قواعد آمره یا ممنوعیت‌های تحریمی تعارض پیدا کند، نقش مهمی در حفظ صلاحیت مرجع داوری ایفا می‌کند.

1. Fincantieri-Cantieri Navali Italiani SpA v Iraq (1994) Riv. Dell'arb 4 (1994) (Corte di Appello di Genova/Genoa Court of Appeal, Italy) 510.

2. Legal Department du Ministère de la Justice de la République d'Irak v Société Fincantieri Cantieri Navali Italiani, Société Finmeccanica et Société Armamenti E Aerospazio. 05/05404. (France, 15 June 2006, Cour d'Appel de Paris).

3. Legal Department du Ministère de la Justice de la République d'Irak v Société Fincantieri Cantieri Navali Italiani, Société Finmeccanica et Société Armamenti E Aerospazio. 05/05404. (France, 15 June 2006, Cour d'Appel de Paris).

سوم؛ انتخاب مقر داوری مناسب: انتخاب مقر داوری در نظام‌هایی که رویکرد موسع‌تری نسبت به داوری‌پذیری اختلاف دارند، یکی از ابزارهای کلیدی مدیریت خطر تحریم است. برخی کشورها، مانند فرانسه و سوئیس، تنها موارد استثنایی و محدود را از شمول داوری خارج می‌دانند، در حالی که در برخی نظام‌ها، از جمله ایتالیا، دامنه قواعد آمره و موانع داوری گسترده‌تر است. از این رو، انتخاب مقر داوری با حداقل مداخله قواعد تحریمی در داوری‌پذیری، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش این خطر دارد.

چهارم؛ انتخاب قانون حاکم بی‌طرف: قانون حاکم بر قرارداد می‌تواند تأثیر مستقیمی بر تفسیر قابلیت داوری اختلاف و اعتبار شرط داوری داشته باشد. انتخاب قانونی که نسبت به تحریم‌ها رویکردی بی‌طرف یا مضیق داشته باشد، از بروز تفاسیر سیاسی یا موسع نسبت به داوری‌پذیری جلوگیری کرده و احتمال بی‌اعتبار دانستن شرط داوری به استناد مقررات تحریمی را کاهش می‌دهد.

۲-۲. خطر تحریم در برخورد با نظم عمومی و نحوه مدیریت آن

نظم عمومی به عنوان یکی از اصول بنیادین در حقوق بین‌الملل خصوصی،^۱ محدودیت‌هایی را برای شناسایی و اجرای قوانین و آرای خارجی ایجاد می‌کند. نظم عمومی به طور کلی منعکس‌کننده ارزش‌ها و موازین اساسی نظام حقوقی داخلی است که نمی‌توان آن را تحت فشار شرایط خارجی یا منافع طرفین محدود کرد (Symeonides, 1999: 324). در نگاهی دیگر، نظم عمومی برای حفظ تمامیت حقوق داخلی است که به طور استثنائی در مواردی به آن استناد می‌شود که نتیجه اجرای قانون یا رأی آشکارا با ارزش‌های بنیادین داخلی ناسازگار باشد (Briggs, 2019: 30). در نگاهی تکنیکی و عمل‌گرا می‌توان نظم عمومی را مشتمل بر مجموع قواعد آمره مندرج در یک نظام حقوق ملی و نیز هنجارهای بنیادی ناشی از اخلاق حسنه دانست (جنیدی، ۱۳۹۱: ۹۸). بنابراین، این قاعده تضمین می‌کند که پذیرش یک رأی یا قانون خارجی نباید منجر به نقض اصول بنیادین حقوقی، اخلاقی یا منافع جامعه در کشور پذیرنده شود (Dicey, 2012: 855) و در صورتی که اجرای آن مغایر با نظم عمومی کشور باشد، دادگاه‌ها می‌توانند از شناسایی یا اجرای آن امتناع کنند (Born, 2021: 1022). در سال‌های اخیر با گسترش تحریم‌ها علیه کشورها، اشخاص و نهادها، این پرسش مطرح می‌شود که آیا مراجع رسیدگی‌کننده می‌توانند از شناسایی و اجرای آرای داوری به استناد مغایرت با نظم تحریم‌ها و در قالب نظم عمومی امتناع کنند یا خیر. در این مبحث به این مسئله پاسخ داده و نحوه مدیریت آن بررسی می‌شود.

۱. نظم عمومی (ordre public) به‌عنوان سازوکار کنترلی بنیادین، مانع از شناسایی و اجرای آثار حقوقی ناشی از تقلب نسبت به قانون (fraude à la loi) می‌شود، بی‌آنکه دامنه آن به این مصداق محدود گردد. (مافی، ۱۴۰۴: ۲۲۰)

۲-۱-۲. تحریم در تفسیر نظم عمومی

تحریم‌ها، به عنوان محدودیت‌های اجباری اعمال شده توسط دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی، می‌توانند اجرای احکام یا قراردادهای را به دلایل سیاسی یا امنیتی غیرممکن سازند. در این شرایط، دادگاه‌ها ممکن است استدلال کنند که اجرای رأی یا شناسایی آن با نظم عمومی تعارض دارد؛ زیرا اجرای آن می‌تواند کشور پذیرنده را در معرض نقض قوانین تحریم‌ها قرار دهد (Basri, 2020: 650). از این منظر، خطر تحریم‌ها ممکن است به عنوان مانعی برای اجرای آرای داوری تلقی شود که مستقیماً با مفهوم نظم عمومی مرتبط است (Jan van den Berg, 1981: 194; Pierre Mayer, 2017: 405).

به طور کلی پاسخ جامع و قاطع به این سؤال که آیا تحریم‌ها - در صورتی که بخشی از نظم عمومی برخی کشورها تلقی شوند - می‌توانند منجر به غیرقابل اجرا شدن یک رأی شوند یا خیر، دشوار است (Kossuth, 1987: 258). در واقع باید توجه داشت که برداشت‌های متفاوتی از تحریم به عنوان مفهوم نظم عمومی وجود دارد. این تفاوت‌ها در اصل به این مسئله مربوط می‌شود که آیا استثنای نظم عمومی به نظم عمومی ملی آن کشور خاص محل درخواست شناسایی یا اجرا مربوط می‌شود یا اینکه این استثنا به نظم عمومی ای فراسوی یک نظام حقوقی خاص یعنی نظم عمومی بین‌المللی به معنای واقعی یا نظم عمومی فراملی تعلق دارد. «تفاوت مفهوم نظم عمومی داخلی از نظم عمومی بین‌المللی دقیقاً ناشی از هدف و وظیفه کاملاً متفاوت نظم عمومی در حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی است» (جنیدی، ۱۳۹۵: ۲۶۵).

شایسته است برای تفسیر نظم عمومی در برخورد با خطر تحریم‌ها، میان تحریم‌های سازمان ملل متحد و دولت‌ها تفکیک قائل شد:

در حالت نخست، سازمان ملل متحد طبق ماده ۲۴ منشور ملل متحد، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر را بر عهده شورای امنیت گذاشته شده است. این شورا، طبق اختیار تفویضی از سوی اعضای ملل متحد با احراز هرگونه تهدید و نقض صلح یا عمل تجاوز می‌تواند به نیابت از دولت‌ها ذیل فصل هفتم منشور بر طبق مواد ۴۰ و ۴۱ اقدام کند. با توجه به عضویت تقریباً همه کشورهای جهان در سازمان ملل و در نتیجه به رسمیت شناختن و اعمال تحریم‌های آن، تحریم‌های سازمان ملل متحد در خدمت هدفی که جامعه بین‌المللی آن را شایسته حمایت می‌داند تلقی شده و بخشی از نظم عمومی همه کشورهای عضو سازمان ملل است و باید هم توسط دیوان‌های داوری و هم توسط دادگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد. لذا تحریم‌های سازمان ملل اغلب به عنوان نظم عمومی بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود، حتی اگر کشوری از نظر ماهوی به مفاد تحریم‌های سازمان ملل (مشخصاً شورای امنیت این سازمان) ایراد داشته باشد، از نظر آیینی

نمی‌توان صلاحیت این مرجع برای وضع تحریم را علی‌الاصول زیر سؤال برد. در حالت دوم که تحریم‌ها توسط دولت‌ها اعمال می‌شوند، تحریم‌های اولیه و ثانویه^۱ وضعیت متفاوتی پیدا می‌کنند: فرض یکم؛ تحریم‌های اولیه: چنانچه کشوری تحریم‌های اولیه علیه اشخاص دیگری اعمال کند، این تحریم‌ها علی‌الاصول بخشی از نظم عمومی ملی کشور تحریم‌کننده تلقی می‌گردد. دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در پرونده Eco Swiss روشن ساخت که نقض یک قاعده آمره حقوق اتحادیه اروپا، نقض نظم عمومی محسوب می‌شود. مفسران این منطق را قابل تسری به اجرای آرای داوری خارجی دانسته‌اند و اشاره کرده‌اند که تحریم‌های اقتصادی، تمام ویژگی‌های لازم برای قاعده آمره را دارا هستند. از آنجا که تحریم‌های اتحادیه اروپا به‌طور طبیعی جزء مقررات الزامی حقوق اتحادیه اروپا هستند، آن‌ها نیز به‌عنوان مسئله‌ای از نظم عمومی طبقه‌بندی می‌شوند. لذا دادگاه‌های کشورهای عضو باید به‌طور خودکار مقررات الزامی حقوق اتحادیه اروپا را اعمال کنند (Kunda, 2007: 132).

باید توجه داشت نظم عمومی ملی کشورهای مختلف ممکن است با یکدیگر متناقض باشند. این وضعیت به‌ویژه در مواردی مشاهده می‌شود که دولت‌های هدف تحریم، در واکنش به اقدامات تحریمی دولت‌ها یا نهادهای تحریم‌کننده، به اعمال تحریم‌های متقابل یا تدابیر مقابله‌ای دست می‌زنند. در چنین شرایطی، آنچه در یک نظام حقوقی به‌عنوان ملاحظه‌ای مبتنی بر نظم عمومی تلقی می‌شود، ممکن است در نظام حقوقی دیگر واجد چنین جایگاهی نباشد. به‌عنوان نمونه، می‌توان به وضعیت میان تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه کشورهای روسیه و چین و تحریم متقابل این کشورها در پاسخ به اقدامات اتحادیه اروپا اشاره کرد. بدین شکل که پیروی از تحریم‌های اتحادیه اروپا مغایر با نظم عمومی دادگاه‌های روسیه و چین تلقی می‌شود. در حالی که انطباق با تحریم‌های روسیه و چین ممکن است توسط دادگاه‌های داخلی اتحادیه اروپا مغایر با نظم عمومی به‌شمار آید.

فرض دوم؛ تحریم‌های ثانویه یا فراسرزمینی: فرض دیگر در تفسیر نظم عمومی در برخورد با تحریم‌های فراسرزمینی در کشورهای ثالث مطرح می‌شود. در اینجا باید میان دو وضعیت تفکیک قائل شد: کشورهایی که برای مقابله با تحریم‌های فراسرزمینی مقررات انسداد^۲ وضع کرده‌اند و

۱. تحریم یکجانبه خود به دو نوع اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود. تحریم اولیه، به روابط دو کشور محدود می‌شود به طوری که یک کشور از برقراری روابط اقتصادی، اجتماعی و یا سایر روابط با کشور دیگر امتناع می‌کند. اما در تحریم ثانویه یا فراسرزمینی، گستره اعمال تحریم فراتر از کشور تحریم‌کننده رفته و روابط اشخاص ثالث با کشور هدف را با ممنوعیت یا محدودیت مواجه می‌کند (Özdamar, 2021: 1646).

۲. با گسترش استفاده ایالات متحده از تحریم‌های فراسرزمینی به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر سایر کشورها با هدف ایجاد

کشورهایی که فاقد چنین قوانینی هستند. در وضعیت اول، کشور ثالث برای مقابله با تحریم‌های فراسرزمینی، مقررات انسداد وضع می‌کند تا اتباع خود را نسبت به تبعیت از تحریم‌ها منع کند. در چنین نظام‌هایی، چنانچه شناسایی و اجرای رأی داوری با خطر تحریم‌های فراسرزمینی همراه باشد، تحریم‌های ثانویه - به دلیل وجود مقررات انسداد - به‌عنوان بخشی از نظم عمومی کشور محل شناسایی و اجرا تفسیر نخواهند شد؛ زیرا قوانین مزبور صراحتاً اشخاص را از تبعیت از تحریم‌های فراسرزمینی منع می‌کنند و اجرای آن‌ها را مغایر با نظم حقوقی داخلی می‌دانند.

در وضعیت دوم، یعنی در مواردی که کشور ثالث فاقد مقررات انسداد است، خطر ناشی از عدم تبعیت از تحریم‌های فراسرزمینی ممکن است به‌عنوان مانعی در فرآیند شناسایی و اجرای رأی داوری خارجی مطرح شود. در چنین حالتی، دادگاه‌های کشور محل اجرا ممکن است تحریم‌های فراسرزمینی یک دولت خارجی را در قالب ملاحظات نظم عمومی بین‌المللی تفسیر کرده و بر همین اساس از شناسایی یا اجرای رأی داوری امتناع ورزند. چنین تفسیری، محل انتقاد جدی است زیرا صرفاً تحریم‌هایی که ذیل قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد وضع شده‌اند می‌توانند واجد وصف نظم عمومی بین‌المللی تلقی شوند.

در روسیه، دادگاه‌ها به طور مداوم هم برنامه‌های تحریم شورای امنیت سازمان ملل و هم مقررات ضد تحریم روسیه را به عنوان عنصری از نظم عمومی تفسیر می‌کنند. به عنوان مثال، هنگامی که یک شرکت بیمه کره شمالی برای اجرای حکم موقت علیه یک شرکت روسی درخواست داد، دادگاه در حکم سال ۲۰۱۹ خود، اجرای آن را رد کرده است.^۱ این کشور به قطعنامه‌های شماره ۲۲۷۰ شورای امنیت ایالات متحده در ۲ مارس ۲۰۱۶ و شماره ۲۳۲۱ و ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶ مبنی بر اعمال تحریم‌ها علیه کره شمالی در ارتباط با برنامه هسته‌ای این کشور و فرامین اجرایی مربوطه رئیس‌جمهور روسیه استناد کرد.^۲ دادگاه به طور خاص به مفاد اسناد تحریمی مبنی بر ممنوعیت پرداخت یا اجرای هر گونه تعهدی به نفع

انزوای اقتصادی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی تحریم‌شده، ابتدا اتحادیه اروپا و سپس چین به منظور مقابله با این اقدامات و حمایت از حاکمیت اقتصادی و امنیت حقوقی خود، مقرراتی موسوم به قوانین انسداد وضع کردند. این قوانین، ضمن اعلام صریح موضع این کشورها نسبت به نامشروع بودن چنین تحریم‌هایی، سازوکاری حمایتی برای اتباع حقیقی و حقوقی خود فراهم آورده‌اند تا از تبعات تبعیت از تحریم‌های ایالات متحده مصون بمانند (جنیدی و راضی، ۱۴۰۱: ۱۱۵).

1. Ruling of the Krasnoyarsk Commercial Court of 18 June 2019, case number A33-17899/2018.
2. US Security Council resolutions No 2270 of 2 March 2016 and No 2321 of 30 November 2016
3. Presidential Decrees No 729 of 29 December 2016 and No 484 of 14 October 2017.

کره شمالی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی این کشور اشاره کرد. در یکی دیگر از پرونده‌های اخیر، شخص اوکراینی حکم داوری دادگاه بازرگانی بین‌المللی در اتاق بازرگانی و صنعت اوکراین را علیه دو شرکت روسی دریافت کرد. دادگاه بازرگانی منطقه مسکو^۱ با تأیید تصمیم دادگاه بدوی مبنی بر امتناع از اجرای حکم، خاطرنشان کرد که مدیر شرکت متقاضی به موجب فرمان شماره ۵۹۲ ریاست جمهوری در تاریخ ۲۲ اکتبر ۲۰۱۸ در مورد اقدامات ویژه اقتصادی در ارتباط با اقدامات غیردوستانه اوکراین در قبال شهروندان و اشخاص حقوقی روسیه^۲ در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته است. بدین ترتیب دادگاه‌های این کشور تمایل دارند مقررات تحریمی را به گونه‌ای موسع تفسیر کنند.

اکثر صاحب‌نظران معتقدند که در کنوانسیون نیویورک و همچنین در قوانین داوری داخلی، باید نظم عمومی را با احتیاط تفسیر کرد (Paulsson, 2016: 225).^۳ در یکی از تحلیل‌ها آمده است: «تحریم‌های اقتصادی ممکن است موجب ایجاد خطرهای تبعیت شوند، اما اجرای رأی داوری همچنان می‌تواند ادامه یابد، مگر آن‌که اجرای آن مستقیماً ناقض قواعد آمره یا نظم عمومی برتر کشور محل اجرا باشد» (Vines, 2022: 305). در تحلیلی دیگر نیز بیان است: «دفاعیات مبتنی بر تحریم‌ها تحت عنوان نظم عمومی به طور مضیق تفسیر می‌شوند و آرای داوری عموماً اجرا می‌گردند، مگر آن‌که اجرای آن رأی طرف را ناگزیر به نقض قوانین تحریمی ملی سازد که جزئی جدایی‌ناپذیر از نظم عمومی تلقی می‌شوند» (Gary Born, op.cit. 34).

رویه قضایی دولت‌ها نیز تأکید دارند که تحریم‌ها به تنهایی نمی‌توانند مانع شناسایی یا اجرای رأی شوند، مگر در تضاد جدی با نظم عمومی محل اجرا باشند. دیوان فدرال سوئیس در این باره تصریح کرده است: «تحریم‌های بین‌المللی به طور خودکار مانع اجرای رأی داوری نمی‌شوند؛ بلکه لازم است که نقض نظم عمومی سوئیس اثبات گردد».^۴

دادگاه‌های ایالات متحده معمولاً به عنوان مراجع فعال در اجرای آرای داوری خارجی مرتبط با تحریم‌ها شناخته می‌شوند. مثلاً در پرونده Parsons & Whittemore Overseas Co، مقرر شد

1. The Decrees of the Commercial Court of the Moscow Circuit of 11.02.2019 N F05-24305/2018, case number N A40-221986/2018; and of 11.02.2019 N F05-87/2019, case number N A40-221976/2018.

2. Presidential Decree of 22 October 2018 No 592 'On Special Economic Measures in Connection with Ukraine's Unfriendly Actions towards Citizens and Legal Entities of the Russian Federation'.

3. UK House of Lords decision in Deutsche Schachtbau-und Tiefbohrgesellschaft mbH v. Ras al Khaimah National Oil Co., Shell International Petroleum Co. Ltd. [1990] 1 AC 295. (Paulsson, 2016: 225)

4. Swiss Federal Tribunal, Case 4A_396/2017, Judgment of 7 February 2018.

مفهوم «نظم عمومی» باید به شکل مضیق تفسیر شود و اجرای رأی داوری خارجی تنها زمانی می‌تواند بر این اساس رد شود که با ابتدایی‌ترین مفاهیم اخلاق و عدالت در کشور محل اجرا در تعارض باشد. در آن پرونده، محکوم‌علیه به قطع روابط دیپلماتیک میان آمریکا و مصر در پی درگیری‌های مسلحانه اعراب و اسرائیل استناد کرده بود و مدعی شد به دلیل همبستگی با سیاست دولت خود ناگزیر از فسخ قرارداد شده است. دادگاه تجدیدنظر این ایرادات را نپذیرفت و تصریح کرد که سیاست ملی ایالات متحده و مفهوم «نظم عمومی» ذیل کنوانسیون نیویورک دو مقوله‌ی متفاوت اند و نباید با یکدیگر خلط شوند (Parsons & Whittemore (n 72)).

با وجود این رویکرد کلی، دادگاه‌های ایالات متحده در قبال برخی دعاوی مرتبط با ایران، موضع متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. پرونده وزارت دفاع ایران علیه شرکت گولد (Ministry of Defense of the Islamic Republic of Iran v. Gould, Inc)^۱ یکی از مواردی بود که دادگاه ایالات متحده از شناسایی و اجرای رأی داوری به استناد قاعده نظم عمومی خودداری کرد. در این پرونده، وزارت دفاع ایران و یک پیمانکار آمریکایی قراردادی برای تأمین تجهیزات نظامی امضا کردند. طرف ایرانی تجهیزات ارتباطی لازم برای اجرای قرارداد را تحویل داد. با وضع تحریم‌ها علیه ایران، اجرای قرارداد غیرممکن شد و طرفین اختلاف را به داوری ارجاع دادند. در رأی صادره، هرچند مقرر شده بود که پیمانکار باید تجهیزات را به ایران بازگرداند. با این حال، تجهیزات مورد بحث رادیوهای نظامی بودند و براساس قوانین جاری ایالات متحده در آن زمان، پیمانکار اجازه نداشت چنین تجهیزاتی را به کشوری صادر کند که بنا بر ادعای آن‌ها از اقدامات تروریسم بین‌المللی حمایت می‌کند. به همین دلیل، دادگاه ناحیه‌ای ایالات متحده از اجرای این بخش از رأی خودداری کرد و افزود: «اگر این محدودیت‌ها ظرف مدت معقولی پس از صدور این دستور برداشته شوند، آنگاه خواندگان موظف خواهند بود که تجهیزات را مطابق مفاد رأی بازگردانند یا در دسترس قرار دهند». ایران به این تصمیم اعتراض کرد، اما در مرحله تجدیدنظر، طرفین دعوا به توافق رسیدند.^۲

در پرونده دیگر وزارت دفاع ایران علیه شرکت کیوبیک دیفنس سیستمز (Ministry of Defense of Iran v. Cubic Defense Systems) رأی سال ۲۰۱۱ صادره از سوی دادگاه تجدیدنظر حوزه نهم ایالات متحده موضعی نسبتاً متفاوت اتخاذ شد اما نتیجه‌ای برای طرف ایرانی دربرداشت. در این پرونده، وزارت دفاع ایران و یک شرکت آمریکایی قراردادی برای تأمین سامانه‌های ناوبری نظامی

1. Ministry of Defense of the Islamic Republic of Iran v. Gould Inc. 887 F.2d 1357.

2. Ibid. certiorari denied, 110 S.Ct. 1319.

منعقد کردند. در سال ۱۹۷۹، پس از انقلاب ایران، تحریم‌هایی از سوی ایالات متحده علیه ایران وضع شد که صادرات تجهیزات به ایران را ممنوع می‌کرد. در مرحله بعدی، تحریم‌ها همچنین پرداخت هرگونه وجهی به نفع اشخاص و شرکت‌های ایرانی را منوط به صدور مجوز از سوی مقام صلاحیت‌دار آمریکایی می‌ساخت. هیئت داوری جلسات خود را در تهران برگزار کرد و در سال ۱۹۹۷ رأی نهایی خود را صادر نمود که در آن پیمانکار به پرداخت خسارت محکوم شد. این پرونده نهایتاً به رأی سال ۲۰۱۱ دیوان تجدیدنظر منتهی شد. این دادگاه با استناد به قاعده شناخته‌شده در پرونده Parsons & Whittemore Overseas Co. اعلام کرد که ملاحظات مربوط به سیاست خارجی - از جمله تحریم‌ها علیه ایران - معادل با قاعده نظم عمومی نیستند و با تأیید رأی داوری از سوی دادگاه ناحیه‌ای موافقت کرد. در خصوص محدودیت‌های پرداخت به دولت ایران، دادگاه تصریح کرد که تأیید یک رأی داوری خارجی معادل با پرداخت وجه نقد نیست و انجام هرگونه پرداخت مستلزم اخذ مجوز است.^۱ تا زمان صدور چنین مجوزی یا رفع تحریم‌ها علیه ایران، دادگاه یکی از راه‌حل‌های ممکن را نگهداری مبلغ محکوم‌به در یک حساب مسدودشده دانست؛ به‌نحوی که هیچ‌یک از طرفین امکان دسترسی به آن را نداشته باشند.^۲

هرچند برخی مفسران از این تصمیم استقبال کردند، به این جهت که آن را تأییدی دیگر بر پابندی دادگاه‌های ایالات متحده به تفسیر محدود از استثنای نظم عمومی دانستند.^۳ با این حال، انتقال واقعی وجوه به نفع خواهان - که هدف نهایی هر طرف دعوی در داوری است - هرگز محقق نشد. در سال ۲۰۱۳، دادگاه منطقه‌ای ناحیه جنوبی کالیفرنیا بدهی ناشی از رأی داوری کوئیک را به نفع اشخاص ثالثی که علیه ایران ادعاهایی داشتند توقیف کرد. بنابراین، هرچند در ظاهر امر، در پرونده وزارت دفاع ایران علیه شرکت دفاعی کوئیک استثنای نظم عمومی غیرقابل اعمال تشخیص داده شد و تحریم‌های اقتصادی آمریکا نیز دلیلی برای رد اجرای رأی داوری تلقی نشد، اما نتیجه نهایی اختلاف، کاملاً با

1. Ministry of Def. & Support for the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran v. Cubic Def. Sys., Inc., 665 F3d 1091 (9th Cir 2011).

2. A. Akhmedov, 'Pirrova pobeda Irana' (Russian Arbitration Association, 3 June 2014) <<https://arbitration.ru/press-centr/news/pirrova-pobeda-irana>> accessed 15 November 2019.

3. T. Cummins and James MacDonald, 'Economic Sanctions: Implications for International Arbitration', GAR (10 May 2018) <<https://globalarbitrationreview.com/editorial/1169291/economic-sanctions-implications-for-international-arbitration>> accessed 15 November 2019; Hanessian G (ed), ICDR Awards and Commentaries, Volume 1 (Juris Publishing, 2012) 480-484.

سیاست خارجی ایالات متحده همسو بود. طرف پیروز در داوری، یعنی جمهوری اسلامی ایران، بیش از یک دهه در برابر دادگاه‌های آمریکا به دادرسی پرداخت، اما هیچ مبلغی دریافت نکرد. در نهایت، در سال ۲۰۱۳، دادگاه منطقه‌ای کالیفرنیا جنوبی داریی ناشی از رأی مذکور را به نفع اشخاص ثالث دارای حکم علیه ایران توقیف کرد؛^۱ این توقیف بر اساس اختیارات ناشی از مقررات FSIA §1610(g) و TRIA §201 انجام گرفت. بنابراین، هرچند در ظاهر استثنای نظم عمومی اعمال نشد، اما نتیجه نهایی اختلاف، کاملاً با سیاست خارجی ایالات متحده همسو بود.

قابل اشاره است، هرچند داریی‌های ایران در ایالات متحده در شرایط عادی از مصونیت اجرایی برخوردار بودند، اما طبقه‌بندی ایران به عنوان «دولت حامی تروریسم» باعث شد که ادعای آن نسبت به مصونیت حاکمیتی از بین برود. «استثنای تروریستی» ایالات متحده به‌طور خاص به قانون مصونیت دولت‌های خارجی مصوب ۱۹۷۶^۲ افزوده شد تا به دعاوی ناشی از اقدامات تروریستی در خارج از کشور رسیدگی شود. همچنین بند ۲۰۱(الف) از قانون بیمه خطر تروریسم در سال ۲۰۰۲ توسط کنگره ایالات متحده به تصویب رسید^۳ مقرر داشت: «صرف نظر از هر مقرر دیگری در قانون... در هر موردی که شخصی علیه یک طرف تروریستی، بر اساس ادعایی ناشی از عمل تروریستی، یا در موردی که یک طرف تروریستی از مصونیت برخوردار نباشد، حکمی به دست آورده باشد، داریی‌های مسدود شده آن طرف تروریستی (از جمله داریی‌های مسدود شده هر نهاد یا مؤسسه وابسته به آن طرف تروریستی) باید در راستای اجرای آن حکم یا در حمایت از اجرای آن، تا میزان خسارات جبرانی که آن طرف تروریستی مسؤول پرداخت آن شناخته شده است، قابل توقیف یا اجرا باشند». در مقررۀ فوق، منظور از «داریی‌های مسدود شده»، داریی‌هایی است که به موجب قانون اختیارات اقتصادی در شرایط اضطراری بین‌المللی^۴ توسط ایالات متحده توقیف یا مسدود شده‌اند. گروهی از نویسندگان در انتقاد از این شیوه قانون‌گذرای چنین اظهار داشته‌اند: «هر آنچه مربوط به توقیف داریی‌های حاکمیتی است، پیچیده و گیج‌کننده است و افراد باید قوانین، مقررات، و اصلاحات جاری یا در دست تصویب را دو یا سه بار بررسی کنند. هنگامی که داریی‌های یک بدهکار تروریست {ادعایی} درگیر باشد، مسائل به‌صورت تصاعدی پیچیده‌تر می‌شوند. این هشدار

1. Homaidan v. Islamic Republic of Iran, Case No. 12-mc-00008-IEG, S.D. Cal. (March 2013)

2. Section 1605A (a) FSIA

3. Terrorism Risk Insurance Act - TRIA 28 U.S.C. § 1610.

4. International Emergency Economic Powers Act (IEEPA)

50 U.S.C. §§ 1701–1706.

به‌ویژه در خصوص قانون بیمه خطر تروریسم صادق است» (Nanda & others, 2018: 53). بنابراین، در تعارض میان تحریم‌های اقتصادی و قاعده نظم عمومی، اصل بر آن است که تحریم‌ها به‌تنهایی دلیل کافی برای امتناع از شناسایی یا اجرای رأی داوری محسوب نمی‌شوند. با این حال، در مواردی که تحریم‌ها بخشی از حقوق الزام‌آور کشور محل اجرا باشند یا ذیل قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل متحد وضع شده باشند، احتمال برخورد آن‌ها با نظم عمومی و در نتیجه امتناع از اجرای رأی افزایش می‌یابد.

۲-۲-۲. مدیریت خطر تحریم در مسائل مربوط به نظم عمومی

برای مدیریت خطر تحریم در مرحله شناسایی و اجرای رأی داوری، نخست باید مقرر داوری در کشوری انتخاب شود که تفسیر مضیق و محدودی از مفهوم نظم عمومی دارد. اهمیت این انتخاب از آن روست که در صورت طرح دعوی ابطال رأی در دادگاه مقرر یا هنگام تقاضای شناسایی و اجرا در دادگاه‌های محل اجرا، برداشت گسترده از نظم عمومی می‌تواند به ابطال یا عدم اجرای رأی منجر شود. کشورهایمانند سوئیس، فرانسه و سوئد در رویه قضایی خود^۱، مفهوم نظم عمومی را محدود و استثنایی تفسیر کرده و تحریم‌ها را صرفاً در صورتی مشمول نظم عمومی می‌دانند که نقض آشکار اصول اساسی نظام حقوقی آن کشور را در پی داشته باشند. در فرانسه، دادگاه استیناف پاریس در پرونده SAT v. N مورخ ۳ ژوئن ۲۰۲۰ تصریح کرد که تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده علیه ایران، به سبب فقدان اجماع بین‌المللی، نمی‌تواند بخشی از نظم عمومی بین‌المللی فرانسه تلقی شوند و صرفاً تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل به عنوان تعهدات بین‌المللی لازم‌الاتباع واجد چنین وصفی اند.^۲ این رویکرد در رویه پیشین دادگاه استیناف پاریس نیز در پرونده Bank Melli Iran v. Telekom Deutschland GmbH مورد تأیید قرار گرفته بود.^۳

به این ترتیب، انتخاب مقرر داوری در یکی از این کشورها نه تنها از نظر تضمین بی طرفی داوری، بلکه از حیث کاهش خطر ابطال یا امتناع از اجرای رأی به دلیل تحریم‌ها نیز نقش اساسی دارد. دوم، سازوکار قراردادی پرداخت‌ها طوری پیش‌بینی شود که خطر تحریم را کنترل کند. مانند تعیین پرداخت از طریق

1. Swiss Arbitration Association (ASA), "Sanctions and the Rule of Law," ASA Bulletin – Swiss Arbitration Portal, 2023; Lexology (Swedish Arbitration Portal), "In Brief: Enforcing and Challenging Arbitral Awards in Sweden," Lexology Legal Update, 2023..

2. Cour d'appel de Paris, 3 June 2020, SA T v. N, Revue de l'Arbitrage (2021): 204–212.

3. Cour d'appel de Paris, 21 February 2019, Bank Melli Iran v. Telekom Deutschland GmbH, Rev. Arb. 2019, p. 890.

حساب‌های امانی در کشور ثالث یا حواله از بانک‌هایی که مشمول تحریم‌های خاص نیستند تا حتی پس از شناسایی، اجرای عملی رأی به دلیل بلوکه بودن حساب‌ها، متوقف نشود. سوم، توجه به قانون حاکم بر قرارداد و هماهنگی میان قانون حاکم بر قرارداد و مقر داوری از حیث پذیرش یا عدم پذیرش تحریم‌ها به عنوان بخشی از نظم عمومی اهمیت ویژه دارد؛ چراکه دادگاه محل اجرا ممکن است بررسی کند که آیا رأی داوری با قانون حاکم بر قرارداد تعارض دارد یا خیر. اگر قانون حاکم، تحریم‌ها را بخشی از نظم عمومی خود بداند، دادگاه می‌تواند با استناد به بند (ب) ماده (2) کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ از اجرای رأی امتناع کند. بنابراین، انتخاب قانونی که در آن تحریم‌ها در شمار موازین نظم عمومی محسوب نمی‌شوند، به نحو قابل توجهی از خطر رد اجرای رأی می‌کاهد. چهارم، در مرحله تنظیم قرارداد، باید شرطی تحت عنوان «انعطاف‌پذیری پرداخت» (Payment Flexibility Clause) برای جایگزینی محل یا ابزار پرداخت درج گردد تا در صورت بروز تحریم یا ممنوعیت انتقال وجه در محل تعیین شده، طرفین بتوانند با توافق محل، ارز یا شیوه پرداخت را تغییر دهند و بدین ترتیب از عدم امکان اجرای رأی داوری جلوگیری شود. پنجم، گنجانیدن شرط تعهد به همکاری برای اخذ مجوز از مقامات تحریم‌گر (Cooperation Clause for Licensing) می‌تواند راهکاری مؤثر برای تضمین اجرای تعهدات مالی در مرحله شناسایی و اجرا باشد؛ زیرا در موارد متعدد، امکان پرداخت تنها از طریق اخذ مجوز از نهادهای ذی‌صلاح^۱ مانند دفتر کنترل دارایی‌های خارجی ایالات متحده (OFAC) یا شورای اتحادیه اروپا فراهم می‌شود. ششم، انتخاب داورانی باتخصص در حقوق تحریم‌ها و روابط مالی بین‌المللی نیز از دیگر راهکارهای مدیریت خطر در این مرحله است. آشنایی داوران با آثار حقوقی و بانکی تحریم‌ها موجب می‌شود رأی داوری از ابتدا به گونه‌ای تنظیم شود که ضمن رعایت اصول دادرسی منصفانه، قابلیت اجرای بین‌المللی بیشتری داشته باشد و استدلال‌های مربوط به نظم عمومی ناشی از تحریم‌ها در آن به نحو مؤثری مورد ملاحظه قرار گیرد. چنین رویکردی نه تنها احتمال ابطال رأی یا رد اجرای آن را در کشورهای متأثر از تحریم‌ها کاهش می‌دهد، بلکه با تقویت استدلال‌های فراملی، بر استحکام و قابلیت اجرای آرای داوری نیز می‌افزاید. هفتم؛ شروط آبخاری برای تضمین اجرای رأی؛ یکی از کارآمدترین روش‌های مدیریت ریسک تحریم در مرحله اجرا، پیش‌بینی «سازوکارهای آبخاری» است؛ سازوکاری انعطاف‌پذیر، چندمرحله‌ای و پویا که اجازه می‌دهد در صورت مسدود شدن یک مسیر، مسیر بعدی به‌طور خودکار فعال شود. در نظام‌های داوری معاصر، این ساختار به‌عنوان راهبردی برای حفظ کارآمدی رأی در محیط‌های پرریسک خصوصاً در بستر تحریم‌ها شناخته می‌شود.

1. HM Treasury – OFSI, General Guidance on Financial Sanctions, 2023, section on “Licensing Procedures and Exemptions”

نتیجه

اعمال تحریم‌ها بر کارکرد داوری تجاری بین‌المللی تأثیر می‌گذارند و می‌توانند شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی را با چالش جدی مواجه سازند که این چالش در دو محور اساسی بروز می‌کند: نخست، غیرقابل داوری شدن موضوع اختلاف به دلیل ماهیت تحریم‌ها که به عنوان بخشی از حقوق عمومی تلقی می‌شوند؛ و دوم، امکان استناد به نظم عمومی به عنوان مانعی برای شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی است.

در خصوص غیرقابل داوری بودن دعاوی مربوط به تحریم، رویه و دکترین موجود به روشنی نشان می‌دهد که صرف وجود تحریم، نمی‌تواند مانعی برای داوری‌پذیری اختلاف ایجاد کند. با این حال، برخی با سختگیری بیشتر معتقدند تحریم از مصادیق حقوق عمومی بوده و حل اختلاف مربوط به آن منحصراً توسط دادگاه‌ها و نه نهاد خصوصی است. هرچند حکم کلی در این زمینه وجود ندارد. در مدیریت خطر تحریم با تدابیری همچون انتخاب مقر داوری با تعریف مضیق از غیرقابل داوری شدن اختلاف و نیز تعیین دقیق موضوعات قرارداد و درج تعهدات روشن و نیز پیش‌بینی شرط تفکیک‌پذیری برای جلوگیری از سرایت بی‌اعتباری به کل قرارداد، می‌توان تا حدی اطمینان حاصل کرد که اختلاف از شمول قواعد آمره خارج مانده و در مرحله شناسایی و اجرا با مانع مواجه نمی‌شود. از سوی دیگر، تحریم‌ها می‌توانند به عنوان دلیلی برای امتناع محاکم از شناسایی و اجرای آرای داوری یا ابطال رأی به استناد مغایرت با نظم عمومی مطرح شوند. برخی دادگاه‌ها به ویژه در کشورهای با رویکرد سخت‌گیرانه‌تر، تفسیر گسترده‌ای از مفهوم نظم عمومی و مقررات تحریم ارائه می‌کنند. افزون بر این، طرفین قراردادهای تجاری باید آگاه باشند که حتی در صورت صدور دستور شناسایی و اجرای رأی از سوی دادگاه، تحریم‌ها می‌توانند عملاً مانع پرداخت بدهی شوند. برای مدیریت خطر مربوط به این بخش، انتخاب مقر داوری در کشورهای با تفسیر محدود از نظم عمومی، انتخاب قانون حاکم متناسب که دربرگیرنده خطر مقررات تحریمی نباشد، پیش‌بینی سازوکارهای پرداخت با لحاظ تحریم‌ها و درج شروط انعطاف‌پذیری و تعهد همکاری در قرارداد از الزامات مهم است. علاوه بر این، استفاده از داوران متخصص در حقوق تحریم‌ها، امکان صدور رأی با قابلیت اجرایی بالاتر را فراهم خواهد کرد.

منابع

فارسی

- الماسی، نجادعلی. (۱۴۰۲). حقوق بین الملل خصوصی. تهران: نشر میزان.
- جنیدی، لعیا. (۱۳۹۵). اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی. چاپ چهارم، تهران: شهردانش.
- جنیدی، لعیا. (۱۳۹۱). تبیین مفهوم نظم عمومی ملی در روابط بین المللی با تاکید بر قواعد امری حقوق عمومی، در کتاب ارج نامه دکتر الماسی، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- جنیدی، لعیا و راضی، سپیده. (۱۴۰۱). نگاهی انتقادی به عملکرد تقنینی ایران در مورد مسئولیت دولت خارجی در اعمال تحریم، فصلنامه علمی پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۱۱، شماره ۴۱.
- راضی، سپیده. (۱۴۰۳). مسئولیت مدنی ناشی از اعمال تحریم. چاپ اول، تهران، گنج دانش.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۴۰۱). حقوق بین الملل عمومی، حقوق بین الملل. چاپ هفتاد و پنجم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- عبده تبریزی، حسین و رادپور، میثم. (۱۳۸۸). اندازه گیری و مدیریت خطر بازار. تهران: انتشارات آگاه.
- نصیری، مرتضی. (۱۳۵۱). شناسایی و اجرای محاکم خارجی. جزوه درسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، نیمسال دوم تحصیلی ۵۰-۵۱.
- وکیل، امیر ساعد. (۱۳۹۰). ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر. چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- مافی، همایون. (۱۳۸۵). تاملی بر تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین الملل. پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱.
- مافی، همایون. (۱۴۰۴). اصل استقلال اسنادی و مبنای تعهد بانک گشاینده اعتبار در برابر ذی نفع. فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، دوره ۳۰، شماره ۱۱۰.

انگلیسی

- Adrian Briggs, *The Conflict of Laws*, 4th edition, Oxford University Press, 2019.
- Albert Jan van den Berg, *The New York Arbitration Convention of 1958: Towards a Uniform Judicial Interpretation*, Kluwer Law International, 1981.
- Alexander Vines, "Sanctions and International Arbitration," *Journal of International Arbitration*, Vol. 39, No. 3, 2022.
- Gary B. Born, *International Commercial Arbitration (Second Edition)*, Kluwer Law International 2014.
- Gary B. Born, *International Commercial Arbitration*, 3rd ed., Kluwer Law International, 2021.
- Geneviève Burdeau, 'Les embargos multilatéraux et unilatéraux et leur incidence sur l'arbitrage commercial international - Les états dans le contentieux économique international, I. Le contentieux arbitral' 3 *Revue de l'Arbitrage*, 2003.
- Elliott Geisinger, Philippe Bartsch, Julie Raneda and Solomon Ebere, 'Les conséquences des sanctions économiques sur les obligations contractuelles et l'arbitrage', 2012.
- Kunda, *Internationally Mandatory Rules of a Third Country in European Contract Conflict Laws* (Rijeka Law Faculty 2007).
- James Lorimer, *the Institutes of the Law of Nations: A Treatise of the Jural Relations of Separate Political Communities*, vol. 1 (Edinburgh: William Blackwood and Sons,

1883.

- Marc Blessing, Impact of the Extraterritorial Application of Mandatory Rules of Law on International Contracts (Helbing & Lichtenhahn 1999) 58-59.
- Pierre Mayer, Droit international privé, 9ème édition, Paris: Montchrestien, 2017.
- Jean-Baptiste Racine, 'L'arbitrage commercial international et les mesures d'embargo, à propos de l'arrêt de la Cour d'appel du Québec du 31 mars 2003', 134 Journal du Droit International 89.
- Marc Blessing, Impact of the Extraterritorial Application of Mandatory Rules of Law on International Contracts (Helbing & Lichtenhahn 1999).
- Carole Basri, the Impact of Economic Sanctions on International Arbitration, Journal of International Arbitration, Vol. 37, No. 6 (2020).
- Davis, Lance & Stanley Engerman, Sanctions: Neither War nor Peace, Journal of Economic Perspectives, Volume 17, Number 2, spring 2003.
- Folch, A.E., Economic Sanctions and the Duration of Civil Conflicts, Journal of Peace Research, 2010.
- Geisinger E and others, 'The Impact of International Trade Sanctions on Contractual Obligations and on International Commercial Arbitration' [2012] 4 International Business Law Journal.
- Laurence Crane, Gene Gantz, Steve Isaacs, Doug Jose, Rod Sharp, Introduction to Risk Management, Second Edition, 2013.
- Louis Kossuth, 'Transnational (or Truly International) Public Policy and International Arbitration', in Pieter Sanders (ed), Comparative Arbitration Practice and Public Policy in Arbitration (Kluwer Law International 1987)
- Özdamar, Özgür & Evgeniia Shahin, Consequences of Economic Sanctions: The State of the Art and Paths Forward, International Studies Review, Volume 23, Issue 4, December 2021.
- Krishna B. Misra, Risk Analysis and Management: An Introduction, RAMS Consultants, Jaipur, India January 2008.
- Srinivas k. Process of Risk Management, In book: Perspectives on Risk, Assessment and Management Paradigms, 2019.
- Symeon C. Symeonides, Private International Law at the End of the 20th Century: Progress or Regress?, 47 American Journal of Comparative Law 2 (1999).
- John Fischer Williams, "Some Thoughts on the Doctrine of Recognition in International Law," Harvard Law Review, Vol. 47, No. 5, March 1934.

اسناد، آرا و منابع قضایی

- A. Akhmedov, 'Pirrova pobeda Irana' (Russian Arbitration Association, 3 June 2014) <https://arbitration.ru/press-centr/news/pirrova-pobeda-irana> accessed 15 November 2019.
- Air France v. Libyan Airlines, Cour d'appel du Québec, Judgment of 31 Mar. 2003, Revue de l'arbitrage 1365 (2003).
- Committee on International Commercial Arbitration, 'Interim Report on Public Policy as A Bar to Enforcement of International Arbitral Awards' in International Law Association Report of the Sixty-Ninth Conference (London 2000) (Interim Report) 2.
- Fincantieri Cantieri Navali Italiani SpA and OTO Melara Spa v ATF (25 November 1991) ICC Award Nr 6719 (Interim Award) Journal du droit international (1994) 1071; 1074.
- ICC Arbitration Fincantieri v. Ministry of Defense of Iraq; Fincantieri Cantieri

Navali Italiani SpA and OTO Melara Spa v ATF (25 November 1991) ICC Award Nr 6719 (Interim Award).

- Legal Department du Ministère de la Justice de la République d'Irak v Société Fincantieri Cantieri Navali Italiani, Société Finmeccanica et Société Armamenti E Aerospazio. 05/05404. (France, 15 June 2006, Cour d'Appel de Paris).
- Ministry of Def. & Support for the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran v. Cubic Def. Sys., Inc., 665 F3d 1091 (9th Cir 2011).
- Presidential Decree of 22 October 2018 No 592 'On Special Economic Measures in Connection with Ukraine's Unfriendly Actions towards Citizens and Legal Entities of the Russian Federation.
- Presidential Decrees No 729 of 29 December 2016 and No 484 of 14 October 2017.
- Ruling of the Krasnoyarsk Commercial Court of 18 June 2019, case number A33-17899/2018.
- Srinivas k. Op.cit, p.4. Srinivas k. Process of Risk Management, In book: Perspectives on Risk, Assessment and Management Paradigms, 2019, p.3. DOI: <http://dx.doi.org/10.5772/intechopen.80804>
- Swiss Federal Tribunal, Case 4A_396/2017, Judgment of 7 February 2018.
- T. Cummins and James MacDonald, 'Economic Sanctions: Implications for International Arbitration', GAR (10 May 2018) <https://globalarbitrationreview.com/editorial/1169291/economic-sanctions-implications-for-international-arbitration> accessed 15 November 2019.
- Terrorism Risk Insurance Act - TRIA 28 U.S.C. § 1610.
- The Decrees of the Commercial Court of the Moscow Circuit of 11.02.2019 N F05-24305/2018, case number N A40-221986/2018; and of 11.02.2019 N 05-87/2019, case number N A40-221976/2018.
- UNSC Res 661 (6 August 1990) UN Doc S/RES/661.
- US Security Council resolutions No 2270 of 2 March 2016 and No 2321 of 30 November 2016.
- Ved P. Nanda, David K. Pansius and Bryan Neihart, *Litigation of International Disputes in U.S. Courts* (2d ed. 2018) § 3:52.
- Williams, John Fischer. "Sanctions under the Covenant." *Harvard Law Review* 47, no. 5 (March 1934): 776–794. Published by The Harvard Law Review Association. Stable URL: <https://www.jstor.org/stable/1333573>.